

فضیلت بقیع و سیره پیامبر و اهل بیت علیهم السلام و صحابه و تابعین در زیارت آن

حافظ نجفی *

چکیده:

بقیع، قبرستانی مشهور در شهر مدینه است که بر پایه روایات، دارای فضیلت و جایگاه ممتاز معنوی است و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سوی خداوند، مأمور شده بود پس از هجرت به مدینه، آنجا را به عنوان محل دفن مسلمانان برگزیند و برای دعا و استغفار اموات، به آنجا بروند. در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی نگارش یافته، ابتدا دلایل فضیلت و جایگاه ممتاز بقیع بررسی شده و در ادامه، به سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت اطهار علیهم السلام و اصحاب درباره زیارت بقیع و نیز اهتمام آنان به بقیع، اشاره شده است. بررسی روایات و گزارش های تاریخی بیانگر این است که بقیع، به عنوان یک مکان مقدس، همواره مورد توجه و عنایت پیامبر اسلام بوده و ایشان برخی عبادات و راز و نیاز با خداوند متعال را در آنجا انجام می دادند. آن حضرت مأمور بودند اموات مسلمین را در آنجا به خاک بسپارند و برای دفن شدگان آن قبرستان، دعا و استغفار نمایند. خاندان پیامبر و اصحاب نیز با تأسی به رسول الله صلی الله علیه و آله به آن مکان و زیارت دفن شدگان اهتمام جدی داشتند. همین امر باعث شد مسلمانان در طول تاریخ به بقیع توجه کنند و با هدف زیارت، دعا و استغفار در آنجا حضور یابند.

واژگان کلیدی: سیره، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام، صحابه، تابعین، زیارت، بقیع

بقیع، به مکانی وسیع گفته می‌شود که در آن انواع درختان وجود داشته باشد (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۸۴؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۹۵)؛ بقیع مدینه را به این جهت که دارای درختان بزرگ خاردار زیاد بوده، «الْبَقِيعُ الْغَرْقَدُ» گفته‌اند؛ زیرا غَرْقَد، جمع غَرْقَدَه، به معنای درختان بزرگ خاردار است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۲۵؛ ج ۸، ص ۱۸؛ ازدی، ۱۳۸۷ش، ج ۳، ص ۹۵۳). برخی نیز بقیع را از بُقعه گرفته‌اند؛ زیرا قبور آن دارای بقعه بوده است (ابراهیم زکی و دیگران، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۶۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م، صص ۶۲-۶۱). شمال غربی این قبرستان را، که عمه‌های پیامبر ﷺ در آن مدفون‌اند «بقیع العمات» نام نهاده‌اند. این قسمت، پیش‌تر به وسیله دیواری از بقیع جدا بوده و در سال ۱۳۷۳ قمری دیوار آن را برداشتند (نجفی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۳۲۱).

تاریخ نگاران، پیشینه بقیع را به دوران جاهلیت بازگردانده‌اند؛ زیرا این مکان، قبل از اسلام، قبرستان عمومی مردم یثرب بوده، اما با هجرت مسلمانان به مدینه، بقیع به تنها قبرستان مسلمانان تبدیل شد و به مرور زمان و با دفن اجساد تعداد زیادی از صحابه و تابعین و نیز همسران و دختران و فرزندان و اهل بیت رسول الله ﷺ اهمیت ویژه‌ای یافت (همانجا). یهودیان و غیر مسلمانان، پس از اسلام، مردگان خود را در «حش کوب» که در جنوب شرقی بقیع بوده و با یک دیوار از بقیع جدا شده بود، دفن می‌کردند، آن دیوار را در دوران اموی، خراب، و «حش کوب» را به بقیع ملحق کردند (امینی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۵).

می‌توان گفت بقیع، گنجینه تاریخ اسلام است. قبور مطهر چهار امام معصوم شیعیان و نیز قبر عباس، عموی پیامبر، قبور همسران، دختران، برخی فرزندان، اصحاب، تابعین و عمه‌های پیامبر خدا ﷺ و نزدیک به ده هزار نفر از شهدا و دیگر شخصیت‌های نامدار تاریخ اسلام در آنجا واقع است (قاضی عسکر، ۱۳۸۲، ص ۱۱۶). بقیع، مکانی مقدس است و پیامبر اسلام برای آنجا اهمیت زیادی قائل بود و از طرف خداوند مأمور بود برای دعا و زیارت اهل بقیع به آنجا برود، اما با همه این ارزش‌ها، وهابیون حرمت آن مکان مقدس و حرمت دفن‌شدگان آن،

به ویژه عمومی پیامبر، چهار امام معصوم، همسران و دختران پیامبر را شکستند. آنان، نخست در سال ۱۲۲۱ قمری بخشی از بناهای قبرستان بقیع را ویران کردند و سپس با تکمیل سلطه خود بر حجاز در شوال سال ۱۳۴۴ قمری، همه این بناها و گنبدها و آثار را با خاک یکسان کردند و اموال و اشیای گران قیمت موجود در این اماکن را به تاراج بردند (همانجا). همین امر باعث شده است که بقیع به یک موضوع بااهمیت برای تحقیق و بررسی تبدیل شود. تاکنون ده‌ها جلد کتاب و مقالات متعدد درباره تاریخچه بقیع، آرمیدگان در آن خصوصاً چهار امام معصوم و مظلومیت آنان، همچنین موضوع تخریب بقاع آن به دست وهابیون، باقلم محققان و اندیشمندان مسلمان نوشته شده است. از جمله «کتاب المدینة و زیارة قبر النبی و الائمة عليهم السلام» اثر شیخ صدوق، «الروضة یا روضة الفردوس» اثر ابو عبدالله محمد بن احمد بن امین اقصهری، «الروضة المستطابة فی من دفن فی البقیع من الصحابة» نسخه‌ای خطی که تألیف یکی از عالمان قرن یازدهم است، «الدر النصیح فی زیارة النبی و أئمة البقیع» نسخه‌ای خطی اثر محمد صالح بن احمد آل طعان «النظم البدیع فی مناقب اهل البقیع» اثر احمد بن اسماعیل بن زین العابدین مدنی، شهاب‌الدین برزنجی، «صواعق محرقه» به زبان فارسی از ابوالحسن بن محمد دولت‌آبادی مرندی نجفی. «رسالة فی رد الفتوی بهدم قبور ائمة البقیع» اثر شیخ محمدجواد بلاغی، «دعوة الحق الی ائمة الخلق» اثر سید میرزاهادی خراسانی حائری، «فضائل البقیع» نسخه‌ای خطی اثر شیخ حسن صالحی حائری «جنة البقیع» به زبان اردو اثر سید بن حسن بن مهدی حسین نجفی، «البقیع العرقد» اثر سید محمد حسینی شیرازی، «قبور ائمة البقیع قبل تهدیمها» اثر سید عبدالحسین بن سید حبیب حیدری موسوی، «تاریخ جنة البقیع» به زبان اردو اثر شیخ حسن رضا غدیری، «فاجعة البقیع» اثر شیخ جلال معاش، «عنوان النجاة فی معرفة من مات بالمدينة المنورة من الصحابة» اثر مصطفی بن محمد بن عبدالله رافعی، «المقصد الرفیع من زیارة البقیع» اثر احمد محمد فارس، «تاریخ حرم ائمة بقیع» به زبان فارسی اثر شیخ محمد صادق نجمی، «چرا به زیارت بقیع می‌رویم؟» به زبان فارسی اثر شیخ علی کاظمی «بقیع خاموش پرفریاد» به زبان فارسی اثر گروهی از نویسندگان.

اما همچنان، مجال برای تحقیقات روزآمد وجود دارد. این مقاله با هدف تبیین

جایگاه و منزلت بقیع و سیره پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و اصحاب و تابعین در زمینه زیارت بقیع به رشته تحریر در آمده است. در این مقاله بر اساس روایات معتبر در منابع فریقین، روشن شده است که پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و اصحاب آنها، به بقیع بسیار اهمیت می دادند و برای انجام دادن برخی عبادات و راز و نیازها، به ویژه دعا برای دفن شدگان بقیع و زیارت آنها، بارها به آن مکان می رفتند.

فضیلت و منزلت بقیع

بقیع، به دلایلی که برخی از آنها در این مقاله ذکر می شود، دارای قداست و منزلت خاص است. از پیامبر خدا ﷺ روایت شده است: «هرگاه مردم در روز قیامت محشور شوند، من در زمره اهل بقیع برانگیخته خواهم شد»^۱ (صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۵۸۰). در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «آن گاه که صدای صیحه قیامت را بشنوم، به سوی بقیع می روم و با اهل آن محشور می شوم»^۲ (هیمی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۰۰۱). ام قیس می گوید: پیامبر خدا ﷺ مرا به بقیع الغرقه برد و فرمود: «ای ام قیس، در روز قیامت هفتاد هزار نفر از اینجا با چهره هایی مانند ماه شب چهارده برانگیخته، و بدون حساب وارد بهشت می شوند» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م، ج ۴، ص ۶۸؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۴م، ج ۸، ص ۲۱۶).

بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام جبرئیل از جانب خداوند مأمور شد چگونگی زنده شدن انسان ها در قیامت را در بقیع به پیامبر اسلام ارائه نماید؛ به همین جهت نزد پیغمبر خدا ﷺ آمد، ایشان را به قبرستان بقیع برد و بالای سر قبر دو نفر ایستاد و صاحبان قبر را صدا زد. آنها که یکی مردی سفیدرو و سعادتمند، و دیگری مردی سیاه چهره بود، از قبر بیرون آمدند. اولی حمد و سپاس الهی را به جای آورد و دومی از هلاکت و بیچارگی خود نالید و سپس با درخواست جبرئیل به جایگاه خود بازگشتند. بعد از

۱. «إِذَا حُشِرَ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بُعِثَتْ فِي أَهْلِ الْبَقِيعِ».
۲. «أَسْمَعُ الصَّيْحَةَ فَأَخْرُجُ إِلَى الْبَقِيعِ فَأَحْضُرُ مَعَهُمْ».

آن جبرئیل اظهار داشت: «ای محمد، روز قیامت، مردم این چنین محشور خواهند شد» (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲ق، ص ۹۴).

آن گاه که پیامبر اسلام ﷺ از جبرئیل درخواست کرد تا خودش را آن گونه که خداوند آفریده است به پیامبر نشان دهد، جبرئیل با پیامبر وعده کرد که در یک شب مهتابی در بقیع باشد. پیامبر نیز همان زمان در بقیع حاضر شد و جبرئیل، خودش را آن گونه که در عالم واقع هست به پیامبر اسلام ﷺ نشان داد، در حالی که افق (جوانب آسمان) را گرفته بود... (غزالی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۲۰۵).

در چندین روایت نیز نقل شده است که پیامبر اسلام ﷺ جایگاه و منزلت علی علیه السلام را برای دیگر اصحاب در بقیع آشکار ساخت؛ از جمله اینکه پیامبر به علی علیه السلام دستور داد به بقیع برود و به خورشید سلام دهد؛ زیرا خداوند به خورشید دستور داده است که سلام علی را جواب دهد. علی علیه السلام طبق دستور پیامبر خدا همراه با ابوبکر و عمر و جمعی از مهاجرین و انصار به بقیع آمد و به خورشید سلام داد و خورشید به امر پروردگار، پاسخ سلام علی علیه السلام را داد... (دهلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۹۳۳).

در روایت دیگری که از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

رسول خدا ﷺ با ابوبکر، عمر، عثمان و علی به سوی بقیع رفتند. سپس از آنان خواست به سوی اصحاب کهف بروند و سلام رسول خدا را به آنها برسانند. آنها وقتی به در غار اصحاب کهف رسیدند، طبق دستور پیامبر، ابتدا ابوبکر، سپس عمر و بعد عثمان به آنها سلام دادند؛ ولی اصحاب کهف پاسخ آنها را ندادند. اما هنگامی که علی علیه السلام به آنان گفت: «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته...»؛ «من فرستاده رسول خداوند به سوی شما هستم»، آنها بعد از ادای احترام به رسول خدا و علی علیه السلام در پاسخ علی گفتند: «وعلیک السلام یا وصی رسول الله ورحمة الله وبرکاته». علی علیه السلام گفت: «چگونه دانستید من وصی نبی هستم؟» آنها گفتند: «به ما اعلام شده است که جز با پیامبر و وصی پیامبر سخن نگوئیم». این در حالی بود که همراهان علی علیه السلام سخنان اصحاب کهف را می شنیدند... (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۳۱، ص ۶۲۴).

شاهد دیگر بر فضیلت بقیع، روایاتی است که در خصوص عبادت، مناجات و راز و نیازهای پیامبر اسلام ﷺ در بقیع، در منابع معتبر عامه و خاصه نقل شده است. ابن حجر از محمد بن هیصم از پدرش و از جدش نقل می کند که پیامبر خدا ﷺ به میانه بقیع رفت و در آنجا نماز گزارد (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۳۶۷). بخاری از عییدالله بن ابی رافع روایت کرده است که پیامبر خدا ﷺ نیمه شبی به همراه ابورافع به بقیع رفت و در آنجا به دعا و مناجات پرداخت (بخاری، ج ۳، ص ۳۱۵ و ج ۵، ص ۱۳۹). براساس روایتی، از جمله مکان های استجاب دعا و جاهایی که پیامبر خدا ﷺ در آنجا دست به دعا برداشته، بقیع است (صالحی شامی، ج ۳، ص ۳۲۲). بنابه گزارش های تاریخی، تا قرن سیزدهم هجری، در نزدیکی قبه ائمه اربعه، در بیرون در ورودی آن، سنگی نصب بود که گفته می شد محل ایستادن حضرت رسول ﷺ بوده و مردم آنجا را محل استجاب دعا می شناختند (برزنجی، ۱۹۹۸م، ص ۲۷۹).

یکی از زمان های مناجات پیامبر در بقیع، شب های نیمه شعبان بوده است. در روایتی که در منابع شیعه وجود دارد، آمده است:

«جبرئیل در نیمه های آن شب نزد رسول خدا حضور یافت و از ایشان درخواست کرد به بقیع بروند. جبرئیل در بقیع خطاب به پیامبر گفت: «در این شب، درهای آسمان باز می شود؛ درهای رحمت، رضوان، مغفرت، فضل، توبه، نعمت، جود و احسان. خداوند در این شب به تعداد موی گوسفندان، بندگانش را از آتش دوزخ آزاد می کند» (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۹۵، ص ۴۱۳).

عایشه گفته است:

رسول خدا ﷺ در شب نیمه شعبان از بستر خویش برخاست و وضویی ساخت و به بقیع رفت. وقتی من خود را به آنجا رسانیدم، پیامبر را در حالی یافتم که به سجده افتاده بود و می گفت: «سَجَدَ لَكَ خَيَالِي وَسَوَادِي، وَأَمَّنَ بِكَ فُؤَادِي...»؛ «ظاهر و باطنم به تو سجده نموده و قلبم به تو ایمان آورده است...» (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۳۶۵).

بقیع، عید گاه و محل نماز عید پیامبر اسلام ﷺ بوده است. در منابع شیعی آمده است که معاویه بن عمار از امام (امام صادق یا امام باقر علیه السلام) درباره نماز عید فطر و عید قربان پرسید. امام در پاسخ ایشان فرمود: «دو رکعت است». سپس برخی از آداب آن و شرایط

امام اقامه کننده آن نماز را بیان کرد و گفت: «وَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْرُجُ إِلَى الْبَقِيعِ فَيُصَلِّي بِالنَّاسِ». رسول خدا ﷺ [برای برگزاری نماز عید] به بقیع می رفت و نماز عید را با مردم برگزار می کرد. (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۳، ص ۴۶۰).

در منابع اهل سنت نیز آمده است که براء بن عازب گفت:

رسول خدا ﷺ در روز عید قربان به بقیع رفت؛ ابتدا دو رکعت نماز گزارد؛ سپس رو به جمعیت کرد و گفت: «کسی قربانی نکند، مگر اینکه ابتدا نماز بخواند»؛ «لَا يَذْبَحَنَّ أَحَدٌ حَتَّى يُصَلِّيَ» (مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۵۵۳؛ ابویعلی، ۱۴۰۴ق/ ۱۹۸۴م، ج ۳، ص ۲۲۴).

زمخشری روایت کرده است که در زمان رسول خدا ﷺ قحطی شد. آن حضرت به بقیع رفت و با اصحابش دو رکعت نماز گزارد. آن گاه ردایش را وارونه پوشید و دست به آسمان بلند کرد و گفت:

«بارالها، شهرهای ما از بین رفته و زمین هایمان تیره و غبارآلود شده است و چهارپایان، سرگردان و پریشان شده اند. خدایا، به دام های تشنه، چارپایان گرسنه و کودکان لاغر و رنجور ما رحم کن.» (زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۷۷).

دعای پیامبر خدا ﷺ به پایان نرسیده بود که آسمان، باران رحمت خود را فرو بارید و مردم سراسیمه، زیر باران به منازل خود بازگشتند (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۳۶).

نماز بر بیکر نجاشی نیز از راه دور در بقیع برگزار شده است. نجاشی که نامش «اصحمه» است، پادشاه حبشه بود. وی به مسلمانانی که به حبشه رفتند، نیکی کرد و از آنان در برابر کفار قریش محافظت نمود و بعدها در زمان نبی گرامی ﷺ مسلمان شد و به همین دلیل، پیامبر اسلام او را برادر خواند (ابن اثیر جزیری، ۱۲۸۰ق، ج ۱، ص ۱۱۹). در روزی که وی در حبشه وفات یافت، پیامبر ﷺ خبرش را این گونه به مردم مدینه اعلام کرد: «مَاتَ الْيَوْمَ عَبْدُ اللَّهِ صَالِحٌ بَغَيْرِ أَرْضِكُمْ، فَقومُوا فَصَلُّوا عَلَيْهِ»، «امروز بنده صالح خدا در غیر این سرزمین وفات کرد. پس پیا خیزید و بر او نماز گزارید». گفتند: «او کیست؟» فرمود: «نجاشی. برای برادران از خدا طلب آمرزش کنید». پس به همراه مردم به بقیع رفت و برای نجاشی نماز میت خواند (البانی، ص ۸۹).

ابن ماجه از ابوهریره نقل کرده است که وقتی رسول الله ﷺ در گذشت نجاشی را اعلام کرد، برای نماز به همراه اصحاب به بقیع رفت، پیامبر جلو افتاد و ما پشت سرش صف کشیدیم بر او نماز خواندیم. پیامبر در نماز بر نجاشی چهار تکبیر گفت (ابن ماجه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۴۹۰ و ج ۴، ص ۶۳؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۸۴).

بقیع، آرامگاه مسلمانان

یکی از نشانه‌های فضیلت بقیع این است که پیامبر خدا ﷺ از میان همه مکان‌ها آنجا را به عنوان محل دفن یاران و خاندان خود برگزید. عبید الله بن ابی رافع گفت:

رسول خدا ﷺ به دنبال مکان مناسبی برای دفن فوت‌شدگان از اصحاب خود در نواحی و اطراف مدینه بود تا اینکه روزی گفت: «أَمِرْتُ بِهَذَا الْمَوْضِعِ»؛ «من مأمور شدم به این موضع»؛ یعنی بقیع که آنجا را «بقیع الخبیه» می‌گفتند و اکثر گیاهانش غرقه بود... اولین فردی که بعد از هجرت در گذشت، عثمان بن مظعون بود. پیامبر دستور داد وی را در بقیع دفن نمایند و یک سنگ هم [به عنوان نشانه] بر بالای سر وی قرار دهند. بعد از دفن وی فرمود: «هَذَا قَرْنُنا»؛ «این (عثمان بن مظعون)، پیشرو و پیشگام ماست». پس از آن وقتی یک نفر فوت می‌کرد و از رسول خدا برای دفن وی کسب تکلیف می‌شد، می‌فرمود: «عِنْدَ قَرْنِنا عُثْمَانُ بنِ مَظْعُونٍ»؛ «نزد پیشرو ما عثمان بن مظعون، دفنش کنید» (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۴۶؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۴۷۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۰۳).

از امیرمؤمنان، علی بن ابی طالب، روایت شده است: «نخستین مدفون در بقیع، عثمان بن مظعون، و بعد از او، ابراهیم پسر رسول خدا ﷺ بود» (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۵۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۴۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۱۴۰). برابر روایت بخاری، عثمان بن مظعون بعد از جنگ بدر و قبل از اُحُد، در مدینه وفات کرد و طبق دستور پیامبر در بقیع دفن شد (بخاری، ج ۱، ص ۱۷۷). در باره محل دقیق قبر عثمان بن مظعون گفته شده است:

۱. «فَرَطٌ»، به کسی گفته می‌شود که جلوتر از دیگران به یک محل وارد می‌شود و زمینه را برای ورود دیگران بقیه فراهم می‌کند (الصحاح، ج ۳، ص ۱۱۴۸).

«وی را در خانه محمد بن زید، در گوشه‌ای از خانه عقیل که وسط بقیع بود، به خاک سپردند. پیامبر ﷺ سنگی بالا و پایین قبر وی قرار دادند و فرمودند: «اهل بیت مرا در اینجا دفن کنید» (بیهقی، ج ۳، ص ۴۱۲).

هنگامی که مروان، والی مدینه شد، آن سنگ‌ها را برداشت و سوگند یاد کرد که نمی‌گذارد بر قبر عثمان بن مظعون سنگی باشد و به این وسیله شناخته شود (ابن شبه، ج ۱، صص ۱۰۱-۱۰۰؛ سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۳، ص ۸۹۴). در روایت دیگری که از عبدالله بن عامر نقل شده، آمده است: «عثمان بن مظعون کنار خانه محمد حنفیه که امروزه کبا خوانده می‌شود، به دستور رسول خدا ﷺ به خاک سپرده شد» (ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۹۷).

سیره پیامبر ﷺ در زیارت بقیع

برابر روایات و گزارش‌های تاریخی در منابع شیعه و سنی، رسول خدا ﷺ به بقیع عنایتی ویژه داشت؛ برخی شب‌ها به آنجا می‌رفت و به اهل بقیع سلام می‌داد و برای آنها از خداوند آمرزش می‌طلبد. الفاظ و عبارات دعای آن حضرت نیز در منابع حدیثی نقل شده است؛ از جمله اینکه پیامبر ﷺ خطاب به مدفونین بقیع می‌فرمود:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ، وَإِنَّا أَنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ بَقِيعِ الْغُرَقْدِ. اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُمْ وَلَا تَفْتِنْنَا بَعْدَهُمْ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَهُمْ» (بیهقی، ج ۴، ص ۷۹؛ مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۶۳؛ نسائی، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م، ج ۴، ص ۹۳).

«درود بر شما، [مدفونان در] خانه گروهی مؤمن. ما نیز ان شاء الله به شما خواهیم پیوست. خدایا، اهالی بقیع غرق‌د را ببخش. خدایا، ما را از پاداش آنان بی بهره مگردان و پس از ایشان ما را گرفتار فتنه نساز. خدایا ما و آنان را بیامرز.»

در روایتی، عایشه، همسر پیامبر، گفته است: برخی شب‌ها شاهد بودم که رسول خدا ﷺ به آرامی از بستر بر می‌خاست و بیرون می‌رفت. یک بار که او را دنبال کردم، دیدم که پیامبر به بقیع رفت و برای دفن‌شدگان آن، این گونه طلب استغفار کرد:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَ أَتَاكُمْ مَا تُوعَدُونَ عَدَاءً مُؤَجِّلُونَ وَإِنَّا نَشَاءُ اللَّهُ بِكُمْ لِاحِقُونَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ بَقِيعِ الْعَرَقَدِ» (ابن حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۸۰؛ ابن ماجه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۴۹۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۰۳؛ بیهقی، ج ۴ ص ۷۹).

«درود بر شما، [مدفونان در] خانه گروهی مؤمن، خداوند آنچه را برای فردای شما وعده داده، به زودی به شما خواهد داد و ما نیز به خواست خدا به شما خواهیم پیوست. خدایا، اهل بقیع غرقد را بپامرز».

مویهبه، غلام حضرت رسول ﷺ، گوید:

پیامبر خدا ﷺ یک شب مرا از خواب بیدار کرد و فرمود: «من دستور یافته‌ام تا به سوی اهل بقیع بروم و به آنها سلام داده، برایشان دعا کنم. همراه ایشان به بقیع رفتم. وقتی پیامبر ﷺ رو به روی قبور بقیع ایستاد، این گونه سلام داد: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْمَقَابِرِ، لِيَهِنَ لَكُمْ مَا أَصَبَحْتُمْ فِيهِ مِمَّا أَصْبَحَ النَّاسُ فِيهِ أَقْبَلَتْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ يَتَّبِعُ آخِرَهَا أَوْهَا الْآخِرَةُ شَرٌّ مِنَ الْأُولَى»؛ «سلام بر شما ای اهل قبرها، گوارا باد بر شما آنچه در آن هستید و از آنچه مردم در آن هستند، رهایی یافتید. فتنه‌ها همچون پاره‌های شب ظلمانی رو آورده‌اند، پایانش از آغازش پیروی می‌کند و پایانش سخت‌تر از آغاز آن است». سپس مدتی طولانی برای آنان استغفار نمود و فرمود: «ای ابومویهبه، خداوند مرا میان گنج‌های زمین، زندگی جاودان در دنیا و رفتن به بهشت و دیدار پروردگرم مخیر نموده است». عرض کردم: «پدر و مادرم فدای شما، کلید گنج‌های زمین و زندگی جاودان و سرانجام رفتن به بهشت را اختیار نمایید». فرمود: «هرگز ای ابومویهبه؛ بلکه من دیدار پروردگرم را برگزیده‌ام». آن‌گاه برای اهل بقیع آموزش طلبید و بازگشت. روز بعد آثار بیماری در بدن مبارکش آشکار گردید و بر اثر همین بیماری رحلت کرد (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۰م، ج ۳، ص ۵۵؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۴م، ج ۲۲، ص ۳۴۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۰۴؛ ابن حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۸۸؛ ابن هشام، ۱۳۵۵ق، ج ۴، ص ۱۰۵۷؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۲۴۳).

در روایتی دیگر آمده است بشیر بن خصاصیه که در بقیع نزد رسول خدا ﷺ رفته بود، شنید که پیامبر این گونه سلام داد:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَ إِنَّا بِكُمْ لِاحِقُونَ، وَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، لَقَدْ

أَصَبْتُمْ خَيْرًا بَجِيلًا، وَ سَبَقْتُمْ شَرًّا طَوِيلًا» (طبرانی، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۴م، ج ۲، ص ۴۵؛ هیشمی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۶۰؛ متقی الهندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۲۹۹؛ ابونعیم، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۶).

درود بر شما، [مدفونان در] خانه گروهی مؤمن، و ما نیز به شما خواهیم پیوست، و ما از خداییم و به سوی خدا خواهیم رفت. شما به خیر بسیاری رسیده‌اید و از شرّ همیشه عبور کرده و نجات یافته‌اید.

در برخی روایات، جزئیات زمان و مکان حضور پیامبر در بقیع نیز ذکر شده است. بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام دعا برای اهل بقیع در نزدیکی خانه عقیل که بعدها چهار امام شیعه در آنجا به خاک سپرده شدند، به دعا می‌ایستاد و برای اهل بقیع طلب مغفرت می‌کرد. امام، به خالد بن عوسجه که برای دعا و زیارت به بقیع رفته بود، فرمود: «هَذَا مَوْقِفُ نَبِيِّ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِاللَّيْلِ، إِذَا جَاءَ، يَسْتَعْفِرُ لِأَهْلِ الْبَقِيعِ»؛ «اینجا محل توقف پیامبر است که هنگام شب وقتی به بقیع می‌آمد تا برای اهل بقیع طلب آمرزش نماید» (سمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۳، ص ۸۹۰؛ امین، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۲۶۴). ابن نجار می‌افزاید: «خانه عقیل همان جاست که او در آنجا دفن شده است» (ابن النجار، ۱۴۲۷ق، ج ۹، ص ۱۵۷).

صفوان جمال نیز از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شامگاه هر پنجشنبه همراه گروهی از اصحاب خود به بقیع می‌رفت. در ادامه این روایت نقل شده که پیامبر سه بار می‌گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ» و سه بار می‌گفت: «رَحِمَكُمُ اللَّهُ». سپس به اصحاب خود گفت: «اینها از شما بهترند». اصحاب گفتند: «علت چیست یا رسول الله؟ آنها ایمان آوردند، ما نیز ایمان آوردیم؛ آنها جهاد کردند، ما نیز جهاد کردیم» پیامبر در پاسخ فرمود:

«إِنَّ هَؤُلَاءِ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ وَمَصَّوْا عَلَيَّ ذَلِكَ [وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ] شَهِيدٌ وَأَنْتُمْ تَبْقَوْنَ بَعْدِي وَلَا أَدْرِي مَا تُحَدِّثُونَ بَعْدِي». (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۳۲۰؛ مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۹۹، ص ۲۹۶).

آنها ایمان آوردند، اما ایمانشان را به ستم نیالودند و من گواهم که آنها با همان ایمان از دنیا رفتند. اما شما بعد از من خواهید ماند و نمی دانم بعد از من چه خواهید کرد.

در توصیف آخرین زیارت پیامبر ﷺ از قبرستان بقیع نقل شده است:

پیامبر خدا ﷺ در آخرین مریضی که منجر به رحلت ایشان شد، فرمود: «إِنِّي قَدْ أُمِرْتُ بِالْأَسْتِغْفَارِ لِأَهْلِ الْبُقْعِ»، «من مأمور شده‌ام که برای آنان که در بقیع مدفون‌اند، از خدا آمرزش بخواهم». بدین جهت همراه با علی ﷺ و گروهی از مردم به قبرستان بقیع رفتند. حضرت رسول در قبرستان بقیع میان مردم ایستاد و اهل قبرستان را این گونه خطاب قرار داد: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْقُبُورِ لِيَهَيِّتُكُمْ مَا أَصْبَحْتُمْ فِيهِ مِمَّا فِيهِ النَّاسُ أَقْبَلَتِ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ يَتَّبِعُ آخِرُهَا أَوْلَهَا»؛ «درود بر شما ای خفتگان در گور، گوارا باد شما را آنچه اکنون در آن هستید، از آنچه مردم (زندگان) گرفتار آناند [آسوده خاطر هستید]. فتنه‌ها مانند شب‌های تاریک یکی پس از دیگری رو آور شده است و پایانش از آغازش پیروی می‌کند». سپس برای اهل بقیع آمرزش خواسته و برایشان دعای زیادی کرد و رو به امیر المؤمنین، علی ﷺ کرد و فرمود: «همانا جبرئیل هر سال یک بار قرآن را بر من عرضه می‌داشت. اما در این سال دو بار عرضه کرد و این نیست جز برای رسیدن أجل (مرگ) من» (مفید، ج ۱، صص ۱۸۲-۱۸۰؛ مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۴۶۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۶۹؛ ابن ابی الحدید، ۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۱۸۳).

سیره اهل بیت ﷺ در اهتمام به بقیع و زیارت آن

اهل بیت اطهار ﷺ با تاسی به پیامبر ﷺ برای بقیع اهمیت زیادی قائل بودند. پس از وقایع تلخی که بعد از رحلت پیامبر برای فاطمه زهرا ﷺ پیش آمد، علی ﷺ برای او خانه‌ای در بقیع، به نام «بیت الاحزان» ساخت. آن خانه، به فاصله کمی از بارگاه ائمه بقیع ﷺ ساخته شده بود و حضرت زهرا ﷺ همراه با حسین ﷺ به آنجا می‌رفت و تا شب می‌گریست (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۴۳، ص ۱۷۷).

«بیت الاحزان» همانند سایر مشاهد مشرفه در دوره‌های مختلف تاریخی زیارت می‌شد، تا آنکه وهابیان در سال ۱۳۴۴ قمری آن را خراب کردند.

چنان که در روایت صفوان جمال از حضرت امام صادق علیه السلام بیان شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در شامگاه هر پنجشنبه همراه گروهی از اصحاب خود به منظور دعا و طلب مغفرت برای اهل قبرستان، به بقیع می رفت (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۵۲۹؛ مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۹۹، ص ۲۹۶). حضرت زهرا علیها السلام نیز چنین رویه‌ای داشته است. مرحوم صاحب جواهر نوشته است:

«زیارت قبور به پیروی از فاطمه زهرا علیها السلام، مستحب مؤکد است و زمان این زیارت در شامگاه پنجشنبه به پیروی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مستحب است؛ زیرا آن حضرت در شامگاه هر پنجشنبه همراه گروهی از اصحاب خود به بقیع می رفت و سه بار می فرمود: «سلام بر شما ای ساکنان بقیع...» (نجفی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۳۲۱).

امام حسن علیه السلام به برادرش امام حسین علیه السلام وصیت کرد بعد از وفاتش ابتدا جنازه او را نزد قبر مطهر پیامبر، سپس نزد قبر مادرش ببرد تا تجدید عهد کند و سرانجام بدن وی را در بقیع به خاک بسپارد (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۳۰۰).

ابوالبختری از امام صادق و پدرش علیه السلام نقل کرده که فرمودند: «أن الحسین بن علی علیهما السلام کان یزور قبر الحسن بن علی علیهما السلام فی کلّ عشیة جمعة» (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۴۴، ص ۱۵۰). ابن کثیر از اسحاق بن ابراهیم نقل کرده که وی گفت: به من خبر رسیده که حسین بن علی علیهما السلام مقابر شهدا را در بقیع زیارت کرد و اشعاری به این مضمون سرود:

«ساکنان قبرها را صدا زدم. ولی آنها خاموش بودند و به جایشان خاک و ریگ‌ها پاسخ دادند. گفتند: «آیا می دانی با ساکنانم چه کردم؟ گوشت بدنشان را تکه تکه، و لباس هایشان را پاره و چشمانشان را پر از خاک کردم؛ درحالی که پیش از این با اندکی خاشاک، آزار می دیدند. اما استخوان هایشان را متلاشی کردم تا مفاصل و گوشت از هم جدا شد. آنها را پوسیده و فرسوده و درحالی که بلاها اطرافشان را گرفته بود، رها ساختم.»^۱ (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۲۲۸؛ ابن

۱.

نادیت ساکن القبور فأسکتوا وأجابنی عن صمتهم ترب الحصا
قالت أتدری ما فعلت بساکنی مزقت لحمهم و خرقت الکسا
وحشوت أعینهم تراباً بعدما کانت تأذی بالیسیر من القذی

عساکر، ج ۱۴، ص ۱۸۶؛ امین، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۶۲۱)

قاسم بن محمد بن ابی بکر گوید:

«در بقیع کنار قبر امام حسن و علی بن الحسین علیهما السلام، کودکی را که صورتش مثل خورشید درخشان و نورانی بود، دیدم که بسیار می گریست. گفتم: ای کودک، چه چیزی باعث شده که در این ساعت با این قبرها خلوت کرده و این چنین گریه کنی؟ در پاسخ من این شعر را گفت:

إِنَّ الصَّبِيَّ صَبِيَّ الْعَقْلِ لَا صِغَرَ
أُزْرِي بَدِي الْعَقْلِ فِينَا وَلَا كِبَرَ

بچه، کسی است که عقل بچگانه‌ای دارد؛ نه آن که سن کمی دارد. سرزنش و کوچکی بر صاحب عقلی است که درباره ما (از معرفت در حق ما) محروم است. گفتم: ... بی شک تو از خاندان اهل حکمت هستی. تو کیستی؟ پاسخ داد: از بدبختی‌های اهل دنیا، شناخت اندک آنان از فرزندان انبیاست. من محمد بن علی بن حسین علیهما السلام هستم و این قبر پدر من است» (قطب راوندی، ۱۴۰۶ق، ص ۵۸).

ابن عساکر نیز این خبر را با تفاوتی، از قیس بن نعمان نقل کرده است (ابن عساکر، ج ۵۴، ص ۲۸۱).

عمر و بن ابی مقدم گفت: با ابو جعفر، امام باقر علیهما السلام، در بقیع به قبر مردی از شیعیان اهل کوفه گذر کردیم. امام بر قبر وی ایستاد و گفت:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ وَآنِسْ وَحْشَتَهُ وَأَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةٍ مِنْ سِوَاكَ وَالْحَقُّهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ» (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۳، ص ۲۲۹؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۳۲۱).

«خدایا، بر غریبی او رحم کن، و تنهایی او را به رحمت متصل ساز و او را از تنهایی رهایی بخش و از رحمت خود رحمتی عظیم با او ساکن ساز که به سبب آن از رحمت غیر تو مستغنی شود و او را با کسانی که به امامت و ولایتشان اعتقاد دارد، محشور ساز.»

أما العظام فإنني مزقتها حتى تباينت المفاصل والشوا

قطعت ذا زاد من هذا كذا فتركتها رمماً يطوف بها البلا

شیخ طوسی همین روایت را نقل کرده و در ادامه گفته است: «امام باقر هفت بار سوره ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ را قرائت کرد.» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۰۵).

آن زمان که امام کاظم علیه السلام علی بن یقظین را به دلیل کم محلی و عدم پذیرش ابراهیم جمال، به حضور نپذیرفت و فرمود: «تنها راهش این است که برادرت ابراهیم جمال را از خود راضی گردانی»، علی بن یقظین گفت: «مولای من او اکنون در کوفه است و من به او دسترسی ندارم». امام به او فرمود: «هنگام شب بدون اینکه احدی از اطرافانت باخبر شوند، به تنهایی به بقیع برو و آنجا به یک اسب نجیب زین شده سوار شو». علی بن یقظین طبق گفته امام در همان ساعت به بقیع آمد و سوار آن اسب شد و در همان لحظه او را به کوفه رسانید و خود را در مقابل ابراهیم جمال دید و از او حلیت طلبید و به مدینه حضور امام کاظم علیه السلام بازگشت (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۴۸، ص ۸۵).

وقتی یونس بن یعقوب در مدینه وفات کرد، حضرت امام رضا علیه السلام حنوط و کفن و جمیع ما یحتاج تجهیز میت را برای دفن وی فرستاد و به پیشخدمت‌ها و غلامان دستور داد برای تشییع جنازه وی حاضر شوند و هر طور شده، او را در بقیع دفن کنند و به آنها گفت این مرد از خدمت گزاران اَبی عبدالله علیه السلام بوده و ساکن عراق بوده و باید در بقیع دفن شود و به یک نفر از اهل کوفه به نام محمد بن الحجاب دستور داد بر جنازه وی نماز اقامه کند (همان، ۱۴۱۲ق، ج ۶۶، ص ۲۹۸ و ج ۷۹، ص ۲۶). محمد بن ولید گفته است: من بعد از دفن، نزد قبر یونس بودم و صاحب مقبره گفت: «این قبر مال کیست؟ که ابوالحسن علی بن موسی به من دستور داده قبرش را چهل روز (و در نقل دیگر چهل ماه) آب پاشی کنم؟» (همان، ۱۴۱۲ق، ج ۶۶، ص ۲۹۸ و ج ۷۹، ص ۲۶).

سیره اصحاب در اهتمام به بقیع و زیارت آن

بر اساس گزارش‌های تاریخی، اقربا و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به بقیع اهتمام زیادی داشتند. نسایی در خبری آورده است: عایشه از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «چگونه به اهل بقیع سلام کنم؟» فرمود:

«قولي: السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا، وَالْمُسْتَأْخِرِينَ، وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لِلْآحِقُونَ» (نسائی، ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۱م، ج ۴، ص ۹۱؛ صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۵۷۰؛ ابن حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۲۱؛ بیهقی، ج ۴، ص ۷۹؛ هیثمی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۶۰).

«چنین بگو: سلام بر شما مؤمنان و مسلمانانی که در این دیار ساکن هستید. خداوند گذشتگان و آیندگان ما را رحمت فرماید و ما نیز إن شاء الله به شما خواهیم پیوست» در چندین روایت نقل شده که جناب ابوذر غفاری همراه رسول خدا در بقیع حضور یافته و سخنان پیامبر یا دستوراتش را شنیده است؛ از جمله روایتی که می گوید: «با رسول خدا ﷺ در بقیع بودم. از ایشان شنیدم که گفت: قسم به خدایی که جانم در دست اوست، در میان شما کسی هست (یعنی علی علیه السلام) که با مردم (دشمنان) بر اساس تأویل قرآن می جنگد، همان گونه که من بر اساس تنزیل قرآن جنگیدم.» (فرات کوفی، ص ۲۰۱).

روایت شده است هنگامی که فاطمه علیها السلام مریض شد، ابوبکر و عمر اذن خواستند تا نزدش بروند و او را عیادت کنند؛ اما ایشان اجازه نداد. وقتی ابوبکر متوجه ناراحتی فاطمه شد، با خدا عهد بست که زیر سقف نرود (به خانه برنگردد) تا از فاطمه اجازه ملاقات بگیرد و رضایت ایشان را جلب کند؛ به همین دلیل یک شب در بقیع، بدون اینکه زیر سقفی باشد، شب را بیتوته کرد و... (قراچه داغی، بی تا، ص ۸۷۳؛ مرندی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۴۳).

ابن ابی الدنیا از محمد بن جبیر روایت کرد که عمر بن خطاب به بقیع غرقد رفت و خطاب به اهل قبور چنین گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ، أَخْبَارُ مَا عِنْدَنَا أَنْ نِسَاءَكُمْ قَدْ تَزَوَّجَتْ وَ دُورُكُمْ قَدْ سَكِنَتْ وَأَمْوَالُكُمْ قَدْ فُرِّقَتْ» (متقی الهندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۷۵۱؛ قرطبی، ۱۳۸۴ق/ ۱۹۶۴م، ج ۲، ص ۷۳)؛ «سلام بر شما ای اهل قبور. خبرهای نزد ما این است که زنانان شوهر کردند و خانه هایتان را دیگران ساکن شدند و دارایی هایتان تقسیم شد.»

عبدالرزاق از سعید بن عاص نقل کرده است:

شبی عمر را دنبال کردم دیدم به بقیع رفت و نماز گزارد؛ آن گاه دستانش را بالا برد و به دعا پرداخت. شنیدم می گفت: «اللَّهُمَّ كَبِّرْ سِنِّي وَ ضَعِّفْ قُوَّتِي،

وَحَشِيئَةُ الْإِنْتِشَارِ مِنْ رَعِيَّتِي، فَأَقِضْنِي إِلَيْكَ غَيْرَ عَاجِزٍ وَلَا مُلُومٍ...»؛ «خدایا، سنم بالا رفته و ضعیف شده‌ام. از پراکنده شدن مردم بیم دارم. پس مرا از این دنیا ببر؛ درحالی که نه ناتوان باشم و نه سرزنش شده». پس او مکرر این دعا را می‌خواند تا صبح شد (راشد الازدی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۳۱۵).

در روایات متعددی نیز آمده است که عمر بن خطاب به بقیع توجه زیادی داشت و به مناسبت‌های مختلف همراه با اصحابش به آنجا می‌رفت (ابن ابی‌الحدید، ج ۶، ص ۵۰ و ج ۱۲، ص ۱۱۶).

احمد بن حنبل از داره، غلام عثمان، روایت کرد که وی گفت:

با ابوهریره در بقیع بودم که شنیدم می‌گوید: «من داناترین مردم به حقیقت شفاعت محمد ﷺ در روز قیامت هستم». فوراً مردم دور او را گرفتند و پرسیدند: «آن چیست؟ خدا تو را رحمت کند». گفت: پیامبر ﷺ می‌گوید: «بارالها، پیامر زهر مسلمانی را که به دیدار تو می‌آید، درحالی که به من ایمان دارد و به تو شرک نمی‌ورزد» (ابن حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۲، صص ۴۵۴ و ۴۹۹).

فضیلت زیارت ائمه بقیع

قبرستان بقیع، آرامگاه چهار امام معصوم شیعه و بسیاری از صحابه بزرگوار، یاران ائمه اطهار و شهدای گران‌قدر صدر اسلام است. امام حسن علیه السلام وقتی رفتارهای عایشه را دید، خودش به امام حسین علیه السلام وصیت کرد که در بقیع دفن شود (کلینی، ج ۱، ص ۳۰۰). امام علی بن الحسین علیه السلام و سپس امام محمد باقر علیه السلام در بقیع به خاک سپرده شدند (کلینی، ج ۱، ص ۴۶۹) و امام صادق علیه السلام نیز در همان مکانی که پدر و جدش در بقیع دفن شده بودند، به خاک سپرده شد (کلینی، ج ۱، ص ۴۷۲). قبور دیگری که منابع، از گنبد و بارگاه آنها گزارش کرده‌اند، عبارت‌اند از: قبر عباس عموی پیامبر، قبور همسران، دختران، برخی فرزندان، اصحاب، تابعین و عمه‌های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و نزدیک به ده هزار نفر از شهدا و قاریان، سادات بنی‌هاشم و دیگر شخصیت‌های نامدار تاریخ اسلام در آنجا واقع است (قاضی عسکر، ۱۳۸۲ش، ص ۱۱۶).

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «حکم کسی که یکی از شما را زیارت کند چیست؟»
فرمود: «يَكُونُ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۴، ص ۵۷۹).

همچنین در کلامی دیگر فرمود:

«إِذَا حَجَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَخْتِمِ حَجَّهُ بِزِيَارَتِنَا، لَأَنَّ ذَلِكَ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ» (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۹۷، ص ۱۳۹).

روایت شده است که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امام حسن علیه السلام فرمود:
«مَنْ زَارَكَ بَعْدَ مَوْتِكَ، أَوْ زَارَ أَبَاكَ، أَوْ زَارَ أَخَاكَ، فَلَهُ الْجَنَّةَ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۳۵۰).

از ابن عباس نقل شده است که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:
«مَنْ زَارَ الْحَسَنَ فِي بَقِيْعِهِ ثَبَتَ قَدْمُهُ عَلَى الصَّرَاطِ يَوْمَ تَنْزَلُ فِيهِ الْأَقْدَامُ» (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۹۷، ص ۱۴۱).

«کسی که حسن را در بقیع زیارت کند، قدمش در صراط ثابت شود؛ آنگاه که قدمها می‌لرزد.»

از امام صادق علیه السلام روایات شده است که فرمود: «مَنْ زَارَنِي عُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ وَلَمْ يَمُتْ فَقِيْرًا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۷۸).

از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود:
«مَنْ زَارَ جَعْفَرًا وَ أَبَاهُ لَمْ يَسْتَكْ عَيْنُهُ وَ لَمْ يُصِبْهُ سَقَمٌ وَ لَمْ يَمُتْ مُبْتَلِيًّا.»

هر کس امام جعفر صادق و پدرش را زیارت کند، چشم درد و مریضی به او روی نخواهد آورد و گرفتار نخواهد مرد (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۶، صص ۷۹-۷۸).

ائمه علیهم السلام علاوه بر اینکه خودشان با هدف زیارت و دعا به قبرستان بقیع می‌رفتند، شیوه زیارت را هم به دیگران آموزش می‌دادند. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که بر سرقبری که در بقیع است آمدی، قبر را پیش روی خود قرار بده و بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَةَ الْهُدَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى...» (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۴، ص ۵۵۹؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، صص ۵۷۶-۵۷۵). در روایت ابن قولویه نیز همین روایت چنین آمده است که وقتی به بقیع آمدی، نزد قبور بایست و قبله را پشت سر خود قرار بده و قبرها پیش

روی تو باشد؛ آن گاه بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أُمَّةَ الْهُدَى...» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۵۴). ایشان در باب پانزدهم درباره زیارت امام حسن و قبور امامان دیگر در بقیع نقل کرده است که محمد بن حنفیه بر سر قبر امام حسن علیه السلام می آمد و این چنین زیارت می کرد: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ [يَا بَقِيَّةَ الْمُؤْمِنِينَ] وَابْنَ أَوَّلِ الْمُسْلِمِينَ وَ...» (همانجا). مرحوم شیخ مفید، همانند برخی دیگر از علما و مورخین (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۵۰)، محل دفن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را نیز در قبرستان بقیع دانسته و کیفیت زیارت ایشان را چنین بیان کرده است:

بر سر قبر حضرت فاطمه زهرا در بقیع بایست، (آن همان قبری است که فرزندش امام حسن علیه السلام نیز در آن است) و بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُتَّحِنَةً اُمْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ...» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۹).

در آداب زیارت ائمه بقیع گفته شده که مستحب است غسل کند و ائمه را زیارت نماید (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۷۹) و برای هر امام دو رکعت (جمعاً هشت رکعت) نماز زیارت بخواند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۷۷؛ مفید، ۱۴۱۰ق، صص ۴۷۶-۴۷۵) مستحب است زیارت قبور و دعا کردن نزد آنها در حالت ایستاده باشد؛ زیرا در برخی روایات نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله چنین عمل می کرد. همچنین زیارت در غروب روز پنجشنبه مستحب است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله هر غروب پنجشنبه همراه گروهی از اصحاب به بقیع می رفت و سه بار می فرمود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ» (نجفی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۳۲۱).

شیخ مفید در آداب زیارت امام حسن مجتبی علیه السلام نوشته است:

مستحب است غسل کنی و پاکیزه ترین لباس را بپوشی و بر قبر بایستی و بگویی: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ الْمُؤْمِنِينَ...» سپس قبر را ببوس و گونه هایت را بر آن بگذار و سپس به طرف سر متوجه شو و بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ...». و در پایان دو رکعت نماز زیارت بخوان (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۴۷۶).

شیخ صدوق پس از نقل متن زیارت امامان معصوم مدفون در بقیع نوشته است: «در مسجدی که در بقیع است، هشت رکعت نماز بگزار و بعد از حمد، هر سوره ای

را خواستی، بخوان. گفته شده است آن مسجد در محلی بنا شده که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در آنجا نماز گزارده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۷۷).

اهتمام مسلمانان به زیارت بقیعه

مسلمانان با تاسی به پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و اصحاب، در دوره‌های مختلف تاریخی همواره به زیارت بقیعه اهتمام داشته‌اند. علما نیز مردم را به این کار تشویق می‌کرده و فقیهان شیعه و سنی به استحباب آن فتوا داده‌اند؛ از جمله: صاحب کشف الرموز (فاضل الآبی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۸۷)، محقق حلی (محقق حلی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۱۰)، علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۵۴، شهید اول، شهید اول، ج ۲، ص ۲۰)، محقق کرکی (محقق کرکی، ۱۴۰۹ق و ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۶۲)، حر عاملی (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۵۴۳)، نراقی (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۳۳۷)، سید محسن حکیم (حکیم، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۵م، ص ۴۹۶)، و صاحب جواهر. ایشان نوشته‌اند:

زیارت امامان معصومی که در بقیعه آرمیده‌اند، به طور اجماعی، یا به ضرورت مذهب یا به ضرورت دین، مستحب است. در این باره نصوص متواتری نیز رسیده است (نجفی، ۱۴۰۲ق، ج ۲۰، ص ۸۷).

زیارت قبور به پیروی از روش حضرت فاطمه علیها السلام مستحب مؤکد است. زیارت قبور در غروب روز پنجشنبه به پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله هر غروب پنجشنبه همراه گروهی از اصحاب به بقیعه می‌رفت و سه بار می‌فرمود: «السلام علیکم یا أهل الدیار» (همان، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۳۲۱).

آیت‌الله سید احمد خوانساری می‌گوید: «استحباب زیارت امامان بقیعه، از ضروریات مذهب است و در این باره نصوص متواتری نیز وجود دارد» (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۵۴).

در میان علمای اهل سنت نیز ابو محمد عبدالکریم بن عطاء الله مالکی (م ۶۱۲ق) در کتاب *مناسک* آورده است:

«زمانی که حج و عمره را مطابق احکام شرع به جای آوردی، باید به مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

در مدینه رفته و بر آن حضرت و دو قبر همجوارش سلام دهی و دعا کنی. آن گاه برای زیارت قبور صحابه و تابعان به بقیع بروی» (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۱۱۰ به نقل از: مناسک عبدالکریم بن عطاءالله مالکی).

محمد بن شریینی گفته است: «زیارت بقیع، سنت و مستحب است» (خطیب شریینی، ۲۰۰۹م، ج ۱، ص ۵۱۳). بهوتی و دیگران نیز چنین دیدگاهی دارند (البهوتی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۶۰۱؛ هتیمی والشروانی و العبادی، ۱۳۵۷ق/۱۹۳۸م، ج ۴، ص ۱۵۴). بکری دمیاطی هم معتقد است زیارت بقیع در هر روز، مستحب است (دمیاطی شافعی، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۳۵۷). از فاکهی نیز نقل شده است: «زائر هر روز پس از زیارت مرقد مطهر رسول خدا ﷺ به بقیع برود و این عمل در روز جمعه، استحباب بیشتری دارد» (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۱۵۹). نووی گفته است:

مستحب است زائر، هر روز و به ویژه روز جمعه به بقیع برود... و قبرهای مطهر آنجا مانند قبر ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ، عثمان، عباس، حسن بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد و دیگران و سرانجام صفیه، عمه پیامبر خدا ﷺ را زیارت کند (نووی، ۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م، ج ۸، ص ۲۷۵).

امام ابو محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ق)، در ضمن بیان وظایف زائران مدینه منوره و کسانی که به زیارت بقیع مشرف می شوند گفته است:

مستحب است زائران، هر روز صبح، پس از زیارت قبر حضرت رسول ﷺ در بقیع حضور یابند و قبور پیشوایان دینی و صحابه را که در آنجا مدفون اند، زیارت کنند... و مستحب است در مسجد فاطمه رضی الله عنها نیز نماز بخوانند (غزالی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۴۷۴).

از ابن الحاج نیز نقل شده است که قصد زائر از زیارت بقیع، باید پیروی از سنت پیامبر خدا ﷺ باشد. از این عمل پیامبر صلی الله علیه و آله می توان دریافت که این زیارت، مستحب است و در دین به آن عمل شده است (ابن الحاج عبدری، ج ۱، ص ۲۶۵) و از این رو، جایگاه و اهمیت آن نزد علمای اسلامی آشکار است.

صالحی شامی می نویسد: «مستحب است در هر روز، به ویژه روز جمعه، پس از سلام بر رسول خدا ﷺ و زیارت آن حضرت، به بقیع برود و آنجا را زیارت کند»

(صالحی شامی، ج ۱۲، ص ۴۰۰). او معتقد است که زیارت پیامبر خدا ﷺ چیزی جز بزرگداشت مقام و منزلت آن حضرت و تبرک جستن از ایشان و یادآوری آخرت، که امری مستحب می‌باشد، نیست؛ چنان که در حدیث آمده است: «قبرها را زیارت کنید؛ زیرا این کار شما را به یاد آخرت می‌اندازد» (ابن ماجه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۵۰۰؛ مناوی، ج ۴، ص ۸۸). گاهی هم زیارت به منظور دعا برای اهل قبور و تبرک جستن از قبور بندگان صالح صورت می‌پذیرد؛ همان طور که در زیارت اهل بقیع، وارد شده است (صالحی شامی، ج ۱۲، صص ۳۸۱-۳۸۲).

نتیجه‌گیری

در این مقاله که با نگاه فرامذهبی و با استفاده از منابع فریقین نگارش یافته، به نتایج ذیل دست یافتیم:

۱. بقیع دارای قداست و فضیلت ویژه‌ای است و پیامبر اسلام ﷺ در دوران حضور خود در مدینه، برخی راز و نیازها و عبادت‌های فردی و اجتماعی خود را در آنجا به جای آورده است؛
۲. پیامبر با امر پروردگار متعال آنجا را به عنوان آرامگاه مسلمانان برگزید؛
۳. آن حضرت به دستور خداوند برای استغفار و دعا برای اهل بقیع در زمان‌های مختلف به بقیع می‌رفتند و برای اهل بقیع دعا می‌کردند و از خداوند برای آنان آمرزش می‌خواستند. بر اساس برخی روایات، رسول الله ﷺ برای دعا در بقیع، مکان خاصی برگزیده بودند؛
۴. علاوه بر رسول خدا ﷺ، خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام و اصحاب گرامی ایشان نیز در بقیع به دعا و عبادت پرداخته و برای اهل بقیع استغفار کرده‌اند؛
۵. مسلمانان شیعه و سنی در طول تاریخ، برای زیارت و دعا در بقیع اهمیت زیادی قائل بوده‌اند و در منابع شیعه برای زیارت ائمه بقیع علیهم‌السلام فضیلت بسیاری ذکر شده و متعاقب آن علمای شیعه در آثار علمی خود آداب و احکام زیارت بقیع را به صورت مستوفای بیان کرده‌اند.

- * قرآن كريم، ترجمه آيت الله مكارم شيرازى.
١. ابراهيم زكى خورشيد، احمد الشنتاوى، عبد الحميد يونس، عباس محمود، دائرة المعارف الاسلاميه، بيروت، دار المعرفة.
 ٢. ابن ابى الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، ١٤٠٤ق، شرح نهج البلاغة، تحقيق / تصحيح محمد ابوالفضل ابراهيم، قم، مكتبة آية الله المرعشى النجفى، قم.
 ٣. ابن ابى شيبه، عبد الله بن محمد، ١٤٠٩ق، المصنف فى الأحاديث والآثار، تحقيق كمال يوسف الحوت، رياض، مكتبة الرشد، چاپ اول.
 ٤. ابن اثير جزرى، على بن محمد، ١٢٨٠ق، أسد الغابة فى معرفة الصحابة، بيروت، دار احياء التراث العربى.
 ٥. ابن الحاج عبدرى، محمد بن محمد، مدخل الشرع الشريف على المذاهب، قاهره، مكتبة دار التراث.
 ٦. ابن النجار، محمد، ١٤٢٧ق، الدررة الثمينة فى اخبار المدينة، به كوشش صلاح الدين، مركز بحوث و دراسات المدينة.
 ٧. ابن حنبل، احمد بن محمد، ١٤١٤ق، المسند، تحقيق عبدالله محمّد الدرويش، بيروت، دارالفكر، چاپ دوم.
 ٨. ابن سعد، محمد، ١٤١٨ق، الطبقات الكبرى، به كوشش محمد عبدالقادر، بيروت، دار الكتب العلميه.
 ٩. ابن عساکر، أبو القاسم على بن الحسن بن هبة الله بن عبد الله الشافعى، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق على شيرى، سوريه، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
 ١٠. ابن قولويه، جعفر بن محمد، ١٣٥٦ش، كامل الزيارات، عبدالحسين امينى، نجف اشرف، دار المرتضوية.
 ١١. ابن كثير، عمادالدين اسماعيل بن عمر، ١٤٠٨ق، البداية و النهاية فى التاريخ، به كوشش على شيرى، بيروت، دار احياء التراث العربى.
 ١٢. ابن ماجه، محمّد بن يزيد، ١٣٩٥ق، سنن ابن ماجه، تحقيق محمّد فؤاد عبد الباقي، بيروت، دار إحياء التراث، چاپ اول.
 ١٣. ابن منظور، محمد بن مكرم، ١٤١٤ق، لسان العرب، تحقيق / تصحيح: جمال الدين ميردامادى، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع. دارصادر، چاپ سوم.

۱۴. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، ۱۳۵۵ق، السيرة النبوية، تحقيق مصطفى سقا و إبراهيم الأنباري، چاپ اول، مكتبة المصطفى، قم.
۱۵. أبو يعلى، أحمد بن علي بن المُثنى بن يحيى بن عيسى بن هلال التميمي، الموصلي، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م، المسند، تحقيق: حسين سليم أسد، دمشق، دار المأمون للتراث، چاپ اول.
۱۶. ابونعيم، احمد بن عبدالله، ۱۴۰۹ق، حلية الأولياء و طبقات الاصفياء، بيروت، دار الكتب العلمية.
۱۷. أزدى، عبدالله بن محمد، ۱۳۸۷ش، كتاب الماء، تحقيق / تصحيح محمد مهدي اصفهاني، تهران، مؤسسه مطالعات تاريخ پزشکی، طب اسلامي و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی ايران، چاپ اول.
۱۸. امام غزالي، ابو حامد محمد بن محمد غزالي، ۱۴۱۲ق، إحياء علوم الدين، بيروت، دار ال هادي، چاپ اول.
۱۹. امين، حسن، ۱۴۱۸ق، دائرة المعارف الإسلامية الشيعية، بيروت، دارالتعارف.
۲۰. امين، سيد محسن، ۱۴۰۳ق، اعيان الشيعة، به كوشش سيد حسن الامين، بيروت، دار التعارف.
۲۱. اميني، عبدالحسين، ۱۴۱۶ق، الغدير في الكتاب و السنة و الادب، قم، نشر مركز الغدير، قم، چاپ اول.
۲۲. اميني، محمد امين، ۱۴۲۸ق، بقيق الغرقد في دراسة شاملة، تهران، مشعر، چاپ اول.
۲۳. الباني، ابو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري، احكام الجنائز، الناشر مكتبة المعارف.
۲۴. بخاري، محمد بن اسماعيل، التاريخ الكبير، اشرف الدكتور محمد عبدالمعبدخان، ديار بكر، المكتبة الاسلامية.
۲۵. برزنجي، جعفر بن اسماعيل، ۱۹۹۸م، نزهة الناظرين، قاهره.
۲۶. البهوتي، منصور بن يونس، ۱۴۰۳ق، كشف القناع عن متن الإفتاع، عالم الكتب.
۲۷. بيهقي، ابوبكر احمد بن الحسين، ۱۴۲۹ق / ۲۰۰۸م، شعب الايمان، بيروت، دار الكتب العلمية.
۲۸. بيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسر و جردى الخراساني، ۱۴۲۴ق، السنن الكبرى، تحقيق محمد عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ دوم.

٢٩. حاكم نيشابوري، محمد بن عبد الله، ١٤١١ق، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفیٰ عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیہ، چاپ اول.
٣٠. حر عاملی، محمد بن حسن، ١٤٠٩ق، وسائل الشیعه، تحقیق تصحیح مؤسسه آل البيت علیہم السلام، قم، نشر مؤسسه آل البيت علیہم السلام.
٣١. حر عاملی، محمد بن حسن، ١٤١٢ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.
٣٢. حکیم، سید محسن طباطبائی، ١٤١٦ق / ١٩٩٥م، دلیل الناسک، تحقیق السید محمد القاضي الطباطبائی، چاپ دوم.
٣٣. خطیب شریینی، محمد بن احمد، ٢٠٠٩م، مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنہاج، بیروت، دار الفکر.
٣٤. خوانساری، سید احمد، ١٤٠٥ق، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق.
٣٥. دمیاطی الشافعی، أبو بکر (المشهور بالبکری) عثمان بن محمد شطا، ١٤١٨ق / ١٩٩٧م، إغاثة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین (هو حاشیة علی فتح المعین)، بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ اول.
٣٦. راشد الأزدي، معمر بن أبی عمرو، ١٤٠٣ق، الجامع، تحقیق حبیب الرحمان الأعظمی، الناشر، المجلس العلمی بپاکستان، وتوزیع المکتب الإسلامی بیروت، چاپ دوم.
٣٧. زمخشري، محمود بن عمر، ١٤١٧ق، الفائق فی غریب الحدیث، تحقیق / تصحیح شمس الدین، ابراهیم، بیروت، دارالکتب العلمیة.
٣٨. سمهودی، نورالدین علی بن احمد، ٢٠٠٦م، وفاء الوفا باخبار دار المصطفیٰ صلی الله علیه و آله، به کوشش خالد عبدالغنی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
٣٩. شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة، تحقیق مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسین بقم المقدّسة، ایران.
٤٠. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، ١٤١٤ق، المحيط فی اللغة، تحقیق محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الکتب، چاپ اول.
٤١. صالحی الشامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، تحقیق عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة.

۴۲. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۴۳. صنعانی، أبوبکر عبد الرزاق بن همام بن نافع الحمیری الیمانی، ۱۴۰۳ق، المصنف، تحقیق حبيب الرحمن الأعظمی، الهند، المجلس العلمی، بیروت، المكتب الإسلامی، چاپ دوم.
۴۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۴م، المعجم الكبير، تحقیق حمدی بن عبد المجید السلفی، القاهرة، مكتبة ابن تیمیة، چاپ دوم.
۴۵. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ق، تهذیب الأحكام (تحقیق / تصحیح حسن الموسوی خراسان)، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۴۶. عسقلانی، ابن حجر، ۱۴۱۵ق، الاصابه فی تمييز الصحابه، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۴۷. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، ۱۴۱۴ق، تذکرة الفقهاء، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت للإحياء التراث، قم.
۴۸. فاضل الآبی، حسن بن أبی طالب، ۱۴۰۸ق، كشف الرموز فی شرح المختصر النافع، تحقیق الشيخ علی پناه الاشتهاردی و الحاج آقا حسین الیزدی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۴۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۴ق، کتاب العین (ترتیب کتاب العین)، تحقیق محمد حسن بکائی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول.
۵۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۵م، القاموس المحيط، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۵۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۴۱۷ق، المحجة البيضاء فی تهذیب الإحياء، تصحیح و تعليق علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۲. قاضی عسکر، سید علی، ۱۳۸۲ش، «تخریب بقیع به روایت اسناد»، فصلنامه میقات حج، پاییز، شماره ۴۵.
۵۳. قراچه داغی، محمد علی بن أحمد التبریزی الأنصاری، بی تا، اللعة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء، تحقیق السيد هاشم الميلانی، قم، مؤسسه الهادی.

٥٤. قرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد، شمس الدين، ١٣٨٤ق/ ١٩٦٤م، الجامع لأحكام القرآن، تحقيق أحمد البردوني وإبراهيم اطفيش، قاهره، دار الكتب المصريه، چاپ دوم.
٥٥. قطب راوندى، سعيد بن هبة الله، ١٤٠٦ق، ألقاب الرسول و عترته، ضمن كتاب مجموعة نفيسة فى تاريخ الأئمة، قم، مكتبة السيد المرعشى النجفى، مطبعة الصدر.
٥٦. كلينى، محمد بن يعقوب، ١٣٨٩ق، الكافى، تحقيق على اكبر الغفارى، طهران، دار الكتب الإسلاميه، چاپ دوم.
٥٧. كوفى اهوازى، حسين بن سعيد، ١٤٠٢ق، الزهد، تحقيق/ تصحيح غلامرضا عرفانيان يزدى، قم، المطبعة العلمية.
٥٨. متقى الهنذى، علاء الدين على بن حسام، ١٤٠٩ق، كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، به كوشش السقاء، بيروت، الرسالة.
٥٩. مجلسى، محمدباقر بن محمدتقى، ١٤١٢ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، تحقيق و نشر دار إحياء التراث، بيروت، چاپ اول.
٦٠. محقق حلى، أبو القاسم نجم الدين جعفر بن الحسن، ١٤١٥ق، شرائع الإسلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلاميه.
٦١. محقق كركى، على بن حسين، ١٤٠٩ق و ١٤١٢ق، الرسائل، اعداد الشيخ محمد الحسون، قم، مكتبة آيت الله المرعشى النجفى و مؤسسة النشر الإسلامى.
٦٢. مرندى، ابوالحسن، ١٣٨١ش، مجمع النورين وملتقى البحرين، تحقيق حسين جعفرى زنجانى، قم، مركز نشر آل عبا.
٦٣. مسلم بن حجاج، قشيرى نيسابورى، ١٤١٢ق، صحيح مسلم، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، القاهرة، دار الحديث، چاپ اول.
٦٤. مفيد، محمد بن محمد، ١٤١٠ق، المقنعة، قم، مؤسسة النشر الإسلامى، چاپ دوم.
٦٥. مفيد، محمد بن محمد، ١٤١٣ق، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، تحقيق / تصحيح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، كنگره شيخ مفيد.
٦٦. مفيد، محمد بن محمد، ١٤١٣ق، كتاب المزار مناسك المزار، تحقيق محمدباقر الأبطحى، قم، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، ١٤١٣ق، چاپ اول.
٦٧. مناوى، محمد عبدالرؤوف بن تاج العارفين، ١٤١٥ق، فيض القدير شرح الجامع الصغير، تحقيق أحمد عبدالسلام، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ اول.

٦٨. نجفى، سيد محمدباقر، ١٣٨٦ش، مدينه شناسى، تهران، مشعر، چاپ اول.
٦٩. نجفى، محمد بن الحسن المعروف بصاحب الجواهر، ١٤٠٢ق، جواهر الكلام، چاپ اول.
٧٠. نراقى، مولى أحمد بن محمد مهدى، ١٤١٥ق، مستند الشيعة فى أحكام الشريعة، تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم.
٧١. نسائى، احمد بن على، ١٤٢١ق / ٢٠٠١م، السنن الكبرى، تحقيق حسن عبدالمنعم شلبى، بيروت، مؤسسة الرساله، چاپ اول.
٧٢. نورى، حسين بن محمد تقى، ١٤٠٨ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقيق / تصحيح: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
٧٣. نووى، محى الدين أبو زكريا، يحيى بن شرف، ١٤٣٠ق / ٢٠٠٩م، المجموع شرح المذهب شيرازى، محمد نجيب المطيعى، جده، الناشر مكتبة الإرشاد.
٧٤. هلالى، سليم بن قيس، ١٤٠٥ق، كتاب سليم بن قيس الهلالى، تحقيق / تصحيح محمد انصارى زنجانى خوئينى، قم، الهادى.
٧٥. هيثمى، ابن حجر، الشروانى، عبد الحميد، العبادى، ابن قاسم، ١٣٥٧ق / ١٩٣٨م، حواشى تحفة المنهاج بشرح المنهاج، المكتبة التجارية الكبرى.
٧٦. هيثمى، ابو الحسن نور الدين على بن أبى بكر، ١٤١٣ق، المنتقى، تحقيق حسين احمد صالح الباكرى، المدينة المنوره، مركز خدمة السنة والسيره النبويه، چاپ اول.
٧٧. هيثمى، على بن أبى بكر، ١٤١٢ق، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، تحقيق عبد الله محمد درويش، بيروت، دار الفكر، چاپ اول.
٧٨. ياقوت حموى، ياقوت بن عبدالله، ١٩٩٥م، معجم البلدان، بيروت، دار صادر.